

فضول باشی و اندیشه ریاست بر فوتبال

فضول باشی ورزش اردبیل در حالی که دست هایش را به هم می زد و بالا و پائین می پرید فریاد می زد که دوست دارم رئیس هیأت فوتبال استان بشوم. تصمیمم را گرفته ام از هم اینک وارد گود می شوم ، دیدارهای ورزشگاهی و باشگاهی را شروع می کنم، عوامل ستادم را مشخص می کنم، به دنبال جذب اسپانسر و حامی مالی می روم، ستادهای لاکچری در اختیار می گیرم، و خلاصه هر کاری که لازم است از حالا برنامه ریزی می کنم تا با اقتدار، رأی مناسب کسب کنم و با افتخار عضویت مجمع فدراسیون فوتبال را به دست آورم.

فضول باشی امان نمی دهد با حرارت و گرمی خاص در میدان رجز خوانی و یکه تازی می کند؛ عجب مزایایی داشته رسیدن به پست ریاست در فوتبال، چرا من غافل بوده ام، چرا دوستان، همشهریان، هم ولایتی ها و آشنایان را به حال خود رها کرده ام، همیشه با خود می گفتم داوطلبان ریاست بر هیأت های استانی بیکارند که ماه ها برای رایزنی و رأی جمع کردن وقت تلف می کنند و قربان صدقه این و آن می روند، حالا می فهمم چرا ، ول کن قضیه نمی شوم اگر قرار باشد که از دست اعضای مجمع بیوسم و به پایشان بیفتم این کارها را انجام می دهم تا رئیس فوتبال بشوم. بابا عجب مزایایی داشته و ما در بی خبری کامل.

گفتم: صبر کن ، فضول باشی نفس تاره کرده و جرعه ای آب بنوش ، باز چه شده که این قدر سرحال شده ای ، قضیه تمایل به ریاست بر فوتبال از کجا سرچشمه می گیرد؟ استان و شهرستان را ول کن اگر هوای ریاست بر فوتبال را داری فدراسیون را بچسب. مگر چه چیز تو کمتر از سرپرست فعلی است فقط کافی است که راه و رسم ورود به باند ها را بدانی همه چیز خود به خود حل می شود.

فضول باشی امانم نمی دهد و می گوید: نه برادر من سیلی نقد را به حلوائ نسبه ترجیح می دهم. می خواهم برای انتخابات بعدی فوتبال خودم را آماده کنم، فدراسیون کشته مرده زیاد دارد به ما چیزی نمی رسد ولی در استان می شود کارهایی انجام داد.

می گویم : چرا به این فکر افتاده ای؟ حتما دلیلی دارد که این قدر تحریک شده ای، بگو شاید من هم تصمیم بگیرم که رقیب تو بشوم. فضول باشی خنده ی تحویلیم داد و گفت: بابا من در سال یک بار هم نمی توانم به روستای خودمان بروم و با فامیل و آشنایان تجدید

دیدار بکنم. خدا روزی فدراسیون نشین ها را زیاد بکند، رئیس فوتبال استان بشوم به خارج از کشورمی فرستند از تایلندی، فیلیپینی و ... و پول قابل توجهی هم به حساب شخصی واریز می کنند ، بن کت و شلوار می دهند و ده ها هدیه با ارزش دیگر که هر انسان ضعیف النفسی چون من را وسوسه می کند.

این ها امتیاز های زیادی هستند، اصلا تغییر رأی نخواهم داد ، به نفع کسی هم عقب نخواهم نشست تا آخر مثل کوه می ایستم و به عشق رفتن به خارج و فرجه شدن حسابم هم که بوده باشد می جنگم تا رئیس بشوم.

گفتم: فضول باشی خیلی از مرحله پرتی به این آسانی هم که تصور می کنی نیست، باید دوره های آموزشی مختلفی از قبیل چرب زبانی، زرنگ بازی و عضویت در باندهای مختلف را بگذرانی.

گفت: خواستن توانستن است. اراده کرده ام و حتما برای رسیدن به هدف برنامه ریزی می کنم. حالا می فهمم که چرا ریاست بر فوتبال در همه سطوح و مخصوصا در استان ها هوادار دو آتشه که چه عرض کنم ده آتشه زیاد دارد. دعا کن سید رأی من لبریز از رأی بشود تا هم مزه سفر خارج را بفهمم و هم در نزدیکی های عید و پایان سال و برگزاری مجمع فدراسیون، غصه نداری و هزینه کت و شلوار نداشته باشم. انشاله.